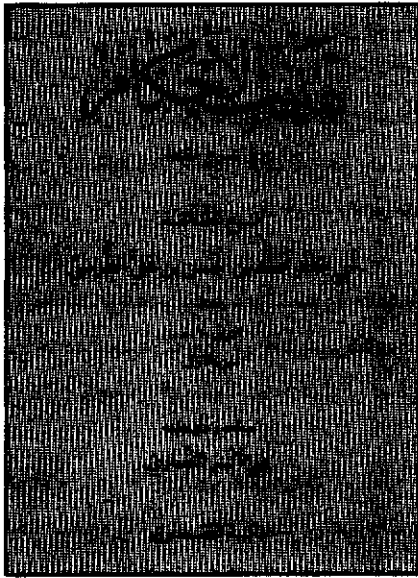


شیوه شیخ طوسی

در

تهذیب الاحکام

احمد عابدی



تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، لشیخ الطائفة ابي جعفر محمد بن علي الطوسي (المتوفى ٤٦٠هـ)، صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري، مكتبة الصدوق، الطبعة الاولى، ١٤١٧.

شیخ در ۲۳ سالگی در سال ۴۰۸ ق. به بغداد رفته و پنج سال از درس شیخ مفید بهره برد. پس از وفات شیخ مفید در رمضان ۴۱۳ ق. به درس سید مرتضی حاضر شد و تا سال ۴۳۶ ق. ارتباط خود را با سید مرتضی علم الهدی حفظ کرد. شیخ طوسی علاوه بر حدیث و فقه و تفسیر و ادبیات که از آن دو استاد بهره گرفت، عقل گرایی خود را مرهون تفکر عقلی و کلامی حوزه بغداد است، آن چنان که شیخ صدوق نیز در نقل گرایی خود متأثر از تفکر نقلی افراطی قمیین است.

پس از وفات سید مرتضی، شیخ طوسی زعامت شیعه را به عهده گرفت، و چون در همه علوم متداول در زمان خود متبحر و صاحب نظر بود، شیعه را در همه موضوعات علمی و نیازهای فرهنگی و اجتماعی رهبری کرد و پاسخگوی همه نیازهای آنان بود. اماد در سال ۴۴۸ ق. حوادثی رخ داد که باعث شد برخی متحجران و متعصبان کتابخانه بزرگ شیعه را آتش زنند. شیخ طوسی -رضوان الله علیه- چاره ای نداشت جز آنکه از بغداد به نجف اشرف مهاجرت نماید. این هجرت از طرفی باعث پایه گذاری مهم ترین حوزه علمیه شیعه گردید که پدید آمدن صدها فقیه بزرگ و هزاران کتاب ارزشمند فقهی و کلامی، تنها بخشی از آثار و برکات آن است. اما آن جاهلان قذآره بند نه تنها شیخ الطایفه را از بغداد بیرون کردند، بلکه عقل و اندیشه را از حوزه بغداد بیرون کردند. به همین جهت پس از حوادث سال ۴۴۸ ق هیچ گونه اثر مهم عقلی و کلامی در بغداد سراغ نداریم، و شاید بتوان

عصر حضور، عصر اصول اربعه بود. آسان ترین راه استفاده احکام دینی برای فقیهان شیعه، مراجعه به اصول اربعه بود، اما در اواخر عصر حضور بر اثر زیاد شدن این اصول و نیز به جهت پراکندگی احادیث در این کتاب ها - که در واقع مسوده ای بودند که از هیچ نظم و ترتیبی پیروی نمی کردند - مراجعه و استفاده از آنها مشکل شده بود. به همین جهت محمد بن ثلاث -رضوان الله علیه- اولین جوامع حدیثی مکتب اهل بیت -علیهم السلام- را تدوین کردند.

ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی - که عمرش فراگیر همه دوران غیبت صغری است - با دقت و تبخّر زیاد به تألیف «کافی» همت گماشت، و علاوه بر فقه، روایات اعتقادی و اخلاقی و تاریخی را نیز ضمن کتاب خود گرد آورد. پس از او شیخ صدوق (۳۰۶-۳۸۱هـ) سیصد کتاب حدیثی و من جمله «من لایحضره الفقیه» را (که مخففاً «فقیه» نامیده می شود) تدوین نمود. دو کتاب «کافی» و «فقیه» به نقل روایاتی که مؤلف آنها را صحیح می داند، اختصاص داشته و روایات متعارض را نقل نمی کنند. به همین جهت مراجعه کننده نمی تواند کاملاً آزاد و بدون پیشداوری قبلی به حکم واقعی برسد، زیرا تنها با روایاتی مواجه است که به نظر مؤلف کتاب، صحیح و حجت بوده اند. به همین جهت وقتی کتاب «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار فیما اختلف من الأخبار» نوشته شد، بیش از کتاب های دیگر حدیثی مورد توجه و مراجعه قرار گرفت.

ابو جعفر محمد بن الحسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰هـ) به «شیخ» علی الاطلاق ملقب گشته است، آن چنان که در فلسفه این لقب به ابن سینا، و در اصول به شیخ انصاری اختصاص داشته، ولی در فقه، حدیث، رجال، تفسیر و کلام، «شیخ» لقب بلا منازع محمد بن حسن طوسی است. پس از ائمه معصومین -علیهم السلام- شیخ الطایفه بیش ترین خدمت را به مذهب جعفری نموده و همیشه فقهای ده قرن اخیر از کتاب های او بهره مند بوده اند.

گفت نور عقل در بغداد افول کرد و در یمن و در حوزه های زیدیه طلوع نمود. از این رو بسیاری از متکلمان و عقل گرایان از بغداد به یمن مهاجرت نمودند و خسارت ها و سایه شوم این عقل ستیزی قرن ها بر حوزه های سنی و شیعه در عراق خودنمایی می کرد.

تهذیب الأحکام

کلینی و صدوق - رضوان الله علیهما - چون فقیه بودند، حتی کتاب های فقهی خود را به عنوان کتاب فتوایی می نوشتند. ولی شیخ طوسی با آنکه فقیه بود، اما کمتر نوشته های او رنگ و بوی فتواداد. او در موضوعات: حدیث، تفسیر، رجال، کلام، فقه، اصول، دعا و تاریخ کتاب نوشته است، اما به هر حال جنبه های عقلی نوشته های او بر جنبه نقلی آنها غلبه دارد. او کتاب «خلاف» خود را جهت بحث و احتجاج با اهل سنت، و «مبسوط» را برای بر نمودن کیفیت استخراج فروع و جزئیات مسائل - نه فتوای در آنها - نوشته است. همچنین کتاب «النهایه» خود را نیز به عنوان بیان اصول متعلقات به رشته تحریر در آورده است. بنابراین هیچ کدام از آثار فقهی او بیانگر نظر نهایی و واقعی او نیستند. به همین جهت آنان که گاهی به دنبال جمع آوری سخنان و فتوای متفاوت و متناقض در کلمات شیخ بوده اند، به بیراهه رفته اند.

شیعه معتقد به عصمت اهل بیت - علیهم السلام - بوده و آنان را دارای علم غیبی می داند، و چون علوم آنان از سر چشمه وحی نشأت گرفته، همه سخنان آنان نور بوده و هیچ تفاوتی بین سخنانشان نباید باشد. از سوی دیگر تعداد زیادی از احادیثی که به دست ما رسیده، با یکدیگر متعارضند. بنابراین باید به نحوی این دو مسأله را با یکدیگر جمع کرد و آنها را سازش داد. فراموش نکنیم که مسأله تعارض روایات در قرن چهارم و پنجم یک مسأله کلامی جدی بین شیعه و اهل سنت بوده است و برخی از کوه نظران آن را طعنه بر مذهب شیعه می دانستند. شیخ طوسی برای دفاع از اعتقادات شیعه و پاسخ به این گونه شبهات به نوشتن تهذیب و استبصار همت گمارد. بنابراین هدف اصلی شیخ از نگارش این دو کتاب تنها یک هدف کلامی بوده است، و هیچ گونه هدف فقهی یا حدیثی نداشته است و استفاده فتوای شیخ و نظرات فقهی او از این کتاب یا کتاب استبصار صحیح نیست. متأسفانه بعضی از بزرگان بدون توجه به این نکته گاهی کلمات شیخ را در کتاب خلاف و مبسوط با سخنان او در تهذیب مقایسه کرده و چون همه اینها را کتاب فتوایی پنداشته اند، نسبت های ناروایی به شیخ داده اند.

اینجا مناسب است اشاره ای داشته باشیم به علت تعارض روایات: ۱. درست فهمیدن احادیث. بعضی از مواردی که به عنوان حدیث متعارض نام برده می شوند، در واقع به معنای توجه

نکردن به معنا و مقصود واقعی احادیث است، و اگر بدرستی در معنای احادیث تأمل می شد، معلوم می گشت که این احادیث هیچ گونه تعارضی با یکدیگر ندارند.

۲. تعمیم و سرایت دادن روایات مختص به موارد خاص و جزئی به سایر موارد. چه بسا حدیثی اختصاص به بیان حکم یک مورد جزئی داشته باشد و یا امام - علیه السلام - آن را به شخص خاصی فرموده، اما سرایت دادن آن حکم به سایر موارد یا اشخاص دیگر، باعث پدید آمدن تعارض بین روایات شده است. ۳. تقطیع روایت. تقطیع موجب می گردد صدر یا ذیل حدیث حذف گردد. روشن است که به این وسیله بعضی از قراین حدیث حذف شده و مراجعه کننده با عدم دریافت مقصود امام، تصور می کند که این حدیث با سایر احادیث تعارض دارد. در حالیکه هیچ گونه تعارضی در بین نبوده و فقط به جهت حذف قرینه روایت، آنها را متعارض پنداشته ایم.

۴. نوشتن احادیث هنگام شنیدن آنها و نقل نشدن عین الفاظ معصومین - علیهم السلام -. مسأله جواز نقل به معنا در حدیث از مسائل مورد اتفاق شیعه بوده، و چون روایان احادیث ضرورتی برای نقل عین الفاظ معصومین - علیهم السلام - نمی دیده اند، معمولاً مضمون و محتوای کلام امام را گرفته و در قالب الفاظ دیگر ریخته و نقل کرده اند. به همین جهت اشکالات و تعارضات زیادی پدید آمد. علاوه بر اشتباهات و فراموشی و غفلتی که آنان هنگام نوشتن حدیث با آن مواجه بوده اند.

۵. تدریجی بودن بیان احکام شرع. گاهی امام به جهت مصلحت، همه قیود و شرایط یک حکم را در یک مجلس بیان نکرده و پس از مدتی آن را برای راوی دیگری بیان کرده است. در واقع کلمات امام متعارض نبوده، گرچه روایان آنها را متعارض پنداشته اند، زیرا تصور کرده اند هر کلامی همه قیود و شرایط حکم را به طور کلی در بر دارد.

۶. مسأله تقیه و وجود طاعوت هایی که مانع از اظهار حق می گردیدند. توضیح هر کدام از این عوامل و بیان حدود هر کدام و ذکر نمونه های عینی آنها فعلاً از موضوع اصلی این مقاله خارج است.

به هر حال عوامل فوق باعث شدند که روایات متعارض در کتاب های روایی شیعه راه پیدا کند و بعضی نادانسته یا مغرضانه آن را طعنه بر مذهب قرار دادند. شیخ طوسی پاسخ این اشکال را از مهم ترین واجبات و موجب قرب الی الله دانست و با نوشتن کتاب تهذیب و استبصار به دفاع عقلی از دین پرداخت. بنابراین کتاب تهذیب گرچه تنها شامل حدیث و نقل است، اما با همین نقل نوعی دفاع عقلی از دین نموده و باید آن را یک کتاب کلامی بی نظیر در موضوع خود به شمار آورد.

اکنون پس از گذشت هزار سال هنوز این کتاب در موضوع خود منحصر به فرد است و همان گونه که اشاره شد چون هدف از این تألیف، کلامی بوده نه فقهی، هرگز نمی توان با این کتاب نظرات فقهی یا فتوایی نویسنده را به دست آورد، همچنین نمی توان ادعا کرد که آنچه در این کتاب ذکر کرده است برخلاف فتوای خود او در کتاب دیگرش است. بلکه ممکن است گاهی او فتوای مورد اعتماد خود را نیز بیان کند.^۱ اما چنین مواردی خارج از هدف اصلی کتاب است.

بهر حال، همان گونه که علامه سید محسن امین فرموده است: «شیخ طوسی مهم ترین بحث کننده در موضوع نقد و بررسی اخبار بوده، و به جمع آوری روایات مختلف پرداخته و به بهترین وجهی تعارض آنها را حل نموده است».^۲ اکنون در کتاب های اصول فقه بحث های گسترده بر قاعده «الجمع مهمما امکن اولی من الترتیب» عنوان کرده اند. سابقه تاریخی این قاعده و درستی یا نادرستی آن اکنون مورد گفتگو نیست، آنچه مهم است، این است که شیخ طوسی -رضوان الله علیه- این قاعده را -البته نه با این عبارت- در علم کلام قبول دارد و مورد بحث قرار داده است نه در فقه یا اصول فقه، و جای تعجب است که چگونه یک قاعده کلامی را که در جای خود صحیح و مستدل و منطبق با اهداف علم کلام است، به علم دیگر سرایت داده و از جایگاه اصلی خود منحرف کرده و آن را مورد هجوم اشکالات اصولی قرار داده اند. و کم له من نظیر.

مناسب است اینجا یک نمونه از تعارض روایات و راه حل شیخ طوسی درباره تعارض روایات را بیان کنیم: در روایتی آمده است که: «ثمن العذرة سحت»، و روایت دیگری می گوید: «لابأس ببيع العذرة»^۳، از روایت اول حرام و باطل بودن خرید و فروش عذره استفاده می شود و از روایت دوم حلال بودن آن. بعضی از فقیهان و حدیث شناسان، حدیث دوم را حمل بر تقیه نموده اند، و بعضی نیز این احتمال را پذیرفته اند که حدیث اول خطاب به کسی بوده است که در شهر یا منطقه او از عذره استفاده نمی شده است و دوم به غیر آن، ولی شیخ طوسی فرموده است که حدیث اول، عذره انسان را می گوید و حدیث دوم عذره غیر انسان را می گوید و شاهدش حدیث دیگری است که هر دو را جمع نموده است. آیت الله شیخ محمد تقی شوشتری نیز احتمال داده است که حدیث دوم تصحیف شده و درست آن این گونه بوده است: «لابأس ببيع غیر العذرة» یا «لابأس ببيع البعرة».

روشن است که مسأله تقیه نمی تواند مشکل این گونه روایات را حل کند؛ مخصوصاً که هر دو حکم در یک روایت نیز جمع شده است. علاوه بر آنکه تقیه شرایطی دارد و نمی توان هر حدیثی را بدون توجه به آنکه در اهل سنت چنین قولی هست، حمل بر تقیه نمود،

همچنان که موارد تقیه در روایات بسیار اندک است و نه آن اندازه که برخی پنداشته اند. مسأله اختلاف دو راوی و دو شهر مختلف نیز با آن روایتی که هر دو را جمع کرده است سازگاری ندارد. به همین جهت شیخ انصاری فرموده است: بهترین وجه جمع همان است که شیخ طوسی -رضوان الله علیه- بیان کرده است.^۴

بنابراین با همین یک نمونه دقت و عمق تفکر و اندیشه شیخ طوسی را می توان حدس زد.^۵

ویژگیهای تهذیب

اولاً: بر اثر جامعیت و تبحر مؤلف در علوم مختلف اسلامی و استفاده از استادانی چون شیخ مفید و سید مرتضی و نیز در اختیار داشتن کتابخانه های بزرگی مثل کتابخانه سید مرتضی و کتابخانه محله کرخ بغداد، بسیاری از احادیث و روایات در کتاب تهذیب گردآوری شده است که مؤلفان کتاب های دیگر حدیثی، از آن روایات حتی اطلاعی نداشته اند. از این رو کتاب تهذیب در موضوع فقه از جامعیتی برخوردار است که موجب شد در فاصله قرن های پنجم تا دهم این کتاب بیش از سایر کتاب های فقهی مورد مراجعه و استفاده قرار گیرد.

ثانیاً: چون این کتاب روایات متعارض را نقل می کند، نظر نویسنده را به خواننده تحمیل نمی کند، و فتوای کسی که به آن مراجعه کند از عمق و اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود.

ثالثاً: روایات ابتدای هر باب در این کتاب، بر روایات پایان آن باب ترجیح دارد، و خود شیخ طوسی -رضوان الله علیه- در مقدمه استبصار نیز به این نکته اشاره نموده است، ولی بعضی از بزرگان بر اثر توجه نکردن به این نکته چه بسا روایات پایان یک باب را بر روایات ابتدای آن باب مقدم داشته اند.

رابعاً: کتاب تهذیب به ترتیب و روش کتاب مقننه شیخ مفید نوشته شده است، زیرا کتاب تهذیب شرح و تفسیر استدلالی کتاب مقننه است. شیخ طوسی از همان ابتدایی که به بغداد رفت، به شرح کتاب استاد خود پرداخت و در حالی که حدوداً ۲۵ ساله بود، چنان با قوت و صلابت این کتاب را نوشت که خواننده تصور می کند مجتهدی بزرگ پس از عمری طولانی در تحقیق و کاوش این کتاب را نوشته است. با توجه به زمان وفات شیخ مفید،

۱. استبصار، ج ۱، ص ۳.
۲. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۶۴.
۳. تهذیب الاحکام، چاپ حلی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ ترتیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۲؛ تهذیب الاحکام، چاپ جدید، ج ۶، ص ۴۲۸.
۴. کتاب المکاسب، ص ۴.
۵. این نکته از مقدمه استبصار، ج ۱، ص ۲ و نیز خاتمه آن، ج ۴، ص ۳۰۵، استفاده شده است.

استدلال می‌کنند، در حالیکه این احادیث نه تنها از نظر فقهی ضعیف‌السندند، بلکه هرگز سندی نداشته و بلکه در هیچ منبع روایی نقل نشده‌اند، اما از این جهت خدشه و اشکالی بر آن علوم وارد نیست. و چون هدف شیخ یک هدف کلامی بوده است، نباید او احادیث را با روش فقهی مورد نقد و بررسی قرار دهد، و شیخ طوسی -رضوان الله علیه- بخوبی بر این نکته آگاه بوده است و لذا باید هر غث و سمین فقهی را در کنار یکدیگر نقل کند. پس آنان که به شیخ اعتراض کرده‌اند خود به خطا رفته و می‌خواهند با عینک فقهی به سایر علوم نگاه کرده و در مورد آنها نظر دهند.

نکته دیگر آن است که محدث بحرانی فرموده: «کمتر حدیثی در تهذیب به درستی نقل شده است، و احادیث آن یا در سند یا در متن اشکال دارند»^۹، مرحوم میر داماد نیز همین را گفته است.^{۱۰} این سخنان گرچه مبالغه آمیز است، اما در عین حال حکایت از اشکالات احادیث تهذیب دارد. ولی باید توجه داشت که این اشکال متوجه شیخ طوسی نیست، بلکه معلول اختلاف نسخ کتاب تهذیب است. معمولاً نسخه‌های خطی کتاب کافی و فقهیه اختلاف فاحشی با یکدیگر ندارند، به خلاف نسخه‌های تهذیب. برای اطلاع از شرح حال اختلاف نسخ تهذیب و صحت و سقم کلام مرحوم بحرانی به خاتمه مستورک رجوع شود.^{۱۱} علاوه بر آنکه این اختلاف نسخه‌ها که باعث روی آوردن اشکال به متن یا سند احادیث تهذیب شده است، اختلاف یا اشکال فاحشی را پدید نمی‌آورده آن گونه که مرحوم امین فرموده است: «من وقتی احادیث تهذیب را با کافی مقایسه نمودم و اختلافات را به دست آوردم، دیدم این اختلافات به حدی نیست که صدمه‌ای به معنای اصلی و مقصود روایات برساند.»^{۱۲}

صاحب معالم سخن بسیار دقیقی در اینجا بیان کرده و می‌فرماید: «گاهی هنگام نوشتن حدیث بر اثر عجله «واو عطف» به جای حرف جر «عن» گذاشته می‌شود. و من در چند جای نسخه‌ای از تهذیب که به خط شیخ طوسی است، دیده‌ام کلمه «عن» را به جای «واو» نوشته است، سپس دو طرف عین را متصل و به صورت واو نوشته است (عز --- جز)، و این مطلب بر برخی از نسخه نویسان اشتباه شده و آن را به صورت اصلی نوشته‌اند، اما با مراجعه به خط خود شیخ، مسأله روشن می‌شود و معلوم است که هرگاه به جای «واو» حرف جر «عن»

می‌دانیم که شیخ طوسی در آن زمان ۲۸ ساله بوده است و در مجلد اول کتاب همیشه با جمله «ایده الله تعالی» بر شیخ مفید درود می‌فرستد، و این حاکی از زنده بودن شیخ مفید است. پس جلد اول کتاب در زمان حیات شیخ مفید تألیف شده است، و در آخر این جلد می‌فرماید: «وکان شیخنا محمد بن محمد بن النعمان رحمه الله...»^۶ که حکایت از وفات شیخ مفید دارد، گرچه باز در ابتدای جلد دوم نیز جمله «ایده الله تعالی» به چشم می‌خورد. به هر حال تقریباً همه جلد اول کتاب در زمان حیات شیخ مفید و در زمانی که هنوز شیخ ۲۷ یا ۲۸ ساله بوده، نوشته شده است.

خامساً: شیخ طوسی در این کتاب معمولاً احادیث را به صورت معلق نقل می‌کند؛ یعنی ابتدای سند را حذف و قسمت آخر آن را ذکر می‌کند، هدف او از این کار مختصر شدن کتاب و جلوگیری از تکرار نام روایان است. همچنین در پایان کتاب مشیخه‌ای قرار داده است که آنچه از اسناد کتاب حذف شده است، مراجعه کننده به توسط آن، سند کامل را بتواند به دست آورد، و این در حالی است که پیش از او مرحوم کلینی در کافی معمولاً همه سند را نقل کرده است و مرحوم صدوق نیز معمولاً همه آن را حذف کرده است.

ضرورت تصحیح جدید تهذیب

ابن ادریس فرموده است: «شیخ طوسی هر درست و نادرستی را در تهذیب نقل کرده است»^۷ و مرحوم شوشتری نیز همین کلام را گفته و اضافه کرده است که: «شیخ هر چه را پیدا کرده، نقل کرده است»^۸. نگارنده در مقدمه «المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار» -که مشترکاً با برادر فاضل و فرزانه قرآن پژوه و حدیث شناس حضرت آقای مهدوی راد حفظه الله نگاهشته شد- پاسخ این اشکال را بیان کرده است. اکنون افزون بر آن می‌گوییم: همانطور که قبلاً بیان شد شیخ با نوشتن تهذیب قصد نگارش کتاب فقهی نداشته است، هر چند آن را به ترتیب ابواب فقه تدوین کرده است. از سوی دیگر پیدا است همانگونه که علوم با یکدیگر تفاوت دارند روش استدلال و ارزیابی در هر علمی نیز با علم دیگر تفاوت دارد. بررسی سند و مورد اعتماد بودن روایان احادیث برای مباحث فقهی لازم است و ملاک ارزیابی احادیث فقهی است. اما روشن است که در بحث تفسیر قرآن مجید یا بحث‌های تاریخی و نیز مسائل کلامی و اعتقادی، وقتی به سراغ حدیث می‌رویم، نباید سند احادیث را به صورت فقهی مورد مطالعه قرار دهیم، هر چه سند موثق داشت، آن را پذیرفته و هر چه سند ضعیف داشت کنار نهیم؛ زیرا این روش اختصاص به فقه داشته و در علوم دیگر ارزشی ندارد. مثلاً کتاب‌های فلسفی، کلامی، عرفانی در بسیاری از مباحث خود به احادیث ضعیف‌السند استشهدا بلکه

۶. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۷۸.

۷. السرائر، ج ۳، ص ۲۸۹.

۸. النجعة، ج ۱، ص ۳۲۵ و ج ۲، ص ۲۹.

۹. لؤلؤة البحرين، ص ۲۹۷.

۱۰. الرواشح السماویة، ص ۱۸۵.

۱۱. مستدرک الوسائل، چاپ رحلی سنگی، ج ۳، ص ۷۵۶.

۱۲. اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۶۴.

نوشته شود، شخصی به سند حدیث اضافه می‌شود و چه بسا باعث ضعف سند حدیث می‌گردد، و لذا نباید به ظاهر امر قناعت کرده و باید به دنبال تحقیق و تفحص بیشتر بود.^{۱۳}

با توجه به آنچه گذشت، روشن شد که به سبب اختلاف نسخ، بعضی از روایات تهذیب، دچار اشکال در سند یا متن شده‌اند. چون این کتاب از مهم‌ترین منابع اجتهاد و استنباط احکام شرعی است؛ ضرورت دارد که تصحیحی بسیار دقیق و فنی بر آن انجام شود. جناب آقای سید حسن خراسان در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ ق این کتاب را با دقت زیاد تصحیح کرده که مکرراً در نجف اشرف و تهران در ده مجلد چاپ شده است. در سال ۱۳۶۳ ش نیز در تهران در دو جلد رحلی بزرگ و با مقدمه مرحوم آیت‌الله مرعشی و با حواشی سودمندی چاپ شده است. اما هنوز مشکل اصلی باقی بود، تا اینکه فرزانه سخت‌کوش و توانا، حجة الاسلام والمسلمین آقای علی اکبر غفاری - حفظه الله تعالی - که عمر خود را وقف ترویج و نشر آثار و معارف اهل بیت (ع) نموده، تصمیم به تصحیح مجدد کتاب تهذیب گرفته و بخوبی از عهده انجام این مهم برآمده است. سابقه درخشان این محقق در تصحیح کتاب‌های کافی، من لایحضره الفقیه، صیون الاخبار الرضاع، معانی الاخبار، امالی و ... بر حدیث‌شناسان روشن و نام‌آور را به احادیث پیوند زده است.

وی در مقدمه کتاب گوید: «سال‌ها به فکر تصحیح کتاب تهذیب بودم، اما کارها و موانع یکی پس از دیگری مانع از انجام آن می‌شد، تا آنکه در ملاقاتی با فقیه و عالم ربانی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از تفقد و دلجویی مرا تشویق و امر به انجام این مهم نمود، و پس از آن با جدیت تمام دستورشان را عملی ساختم».^{۱۴} این تصحیح براساس سه نسخه خطی مصحح و دو چاپ پیشین آن انجام شده و اختلاف نسخی که در فهم معنای حدیث دخالت دارند، در پاورقی ثبت شده است. در اینجا به برخی از ویژگی‌های این تصحیح اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت آقای غفاری در پاورقی‌های فراوان و سودمند خود بر کتاب، اشتباهات در اسناد احادیث و وجه صحیح آنها را ذکر کرده است. او همچون یک رجالی توانا و چیره‌دست مسائل مربوط به رجال و اسناد را بررسی کرده است؛ برای مثال ر.ک: ج ۱، ص ۱۷، ح ۳۶ و ص ۲۷، ح ۶۵.

۲. مصحح محترم احادیثی را که تقطیع شده‌اند تکمیل و در پاورقی ذکر کرده است. ر.ک: ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۱۷ و ص ۵۵، ح ۱۵۲.

۳. گاهی متن یا سند حدیث تصحیف شده و کلمات آن بدرستی در متن کتاب آورده نشده است و مصحح آنها را براساس مراجعه به کتاب‌های روایی و رجالی مختلف تصحیح و تذکر

داده است؛ مثل: ج ۱، ص ۵۹، ح ۱۵۸.

۴. گاهی یک حدیث دو یا چند بار در تهذیب نقل شده است، و مقایسه موارد مختلف و نکته‌های مورد استفاده آن برای مراجعه‌کننده مفید است و آقای غفاری اینها را تذکر و ارجاع داده است؛ مثل ج ۱، ص ۶۱، ح ۱۶۰.

۵. احادیث این کتاب معمولاً با کافی و فقیه مقایسه شده و موارد اختلاف مشخص شده است.

۶. لغات مشکل احادیث با مراجعه به معجم‌های مختلف لغت در پاورقی‌ها شرح و تفسیر شده‌اند.

۷. در مواردی که متن حدیث دارای ابهام بوده یا معنای آن بزودی به ذهن نمی‌آید، با مراجعه به «ملاذ الاخیار»، «مرآة العقول»، «البیان»، «دروس»، «مسالك»، «مدارك»، «مصباح المتهدج»، «تعلیقہ تفرشی» و کتاب‌های فقهی علامه حلی و آثار شیخ بهایی و فیض کاشانی شرح و تفسیر حدیث بیان شده است.

۸. از نسخه‌های خطی کتاب بخوبی استفاده شده است.

۹. یکی از نکته‌های بسیار مهم آن است که تمام احادیث این کتاب بزرگ، از نظر اعتبار مشخص شده‌اند و با رمزهای مختلف هر حدیثی یکی از عنوان‌ها و اصطلاحات زیر را دارد:

صح = صحیح. ثوق = موثق. ح = حسن. ضع = ضعیف.

کصح = کالصحیح. کثوق = کالموثق. کح = کالحسن.

مجهه = مجهول. رفع = مرفوع. سل = مرسل. قف = موقوف.

اهمیت فوق‌العاده این نکته و رنج فراوانی که مصحح برای آن متحمل شده است، احتیاج به توضیح ندارد.

۱۰. همه احادیث کتاب، به مقدار نیاز اعراب گذاری شده است.

۱۱. احادیث شماره گذاری شده است.

۱۲. مقدمه‌ای دقیق و عالمانه در شرح حال شیخ طوسی و اوضاع فرهنگی زمان او نوشته شده است.

۱۳. فهرست دقیق مطالب هر جلد تنظیم شده است.

۱۴. صفحه‌های این چاپ با چاپ قبلی کتاب که مبنای کتاب معجم المفهرس کتب اربعه بوده تطبیق شده است.

لازم به ذکر است که در ص ۲۱ از مقدمه جلد اول کتاب، سهو القلمی رخ داده و کتاب دروسی شهید اول به شهید ثانی نسبت داده شده است.

از خدای بزرگ توفیق بیشتر مصحح را برای ترویج و نشر آثار اهل بیت (ع) مسألت دارم.

○

۱۳. متقی‌الجمان، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶؛ حجة الاسلام، چاپ شده ذیل

ترتیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۸۳.

۱۴. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳.